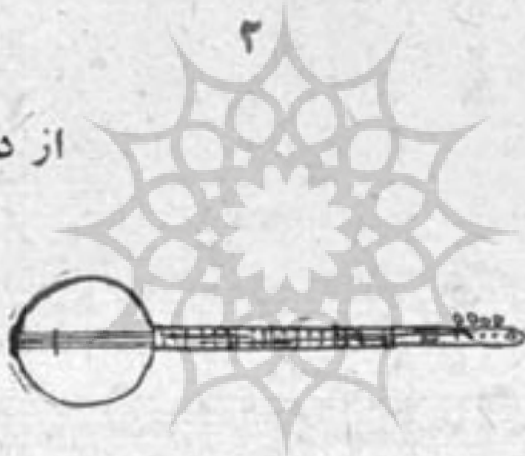


آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ



تنبور یا طنبور پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برای اینکه بتاريخ تحول گام (طبقه) در ادوار گذشته تاریخ موسیقی
پی ببریم باید ابتداء به توضیحاتی درباره گام تنبور بغدادی یا میزانی
توجه کنیم.

حکیم فارابی راجع باین ساز و پرده های آن در کتاب الموسیقی
الکبیر در فصلی تحت همین عنوان بتفصیل بحث میکند. از آنچه فارابی
میگوید چنین بر می آید که تنبور بغدادی و طرز پرده بندی و کوك کردن
آن مربوط بدوره های پیش از اسلام بوده است چون فارابی پرده های
آنها «الذساتین الجاهلیه» مینامد و توضیح میدهد که این ساز برای نواختن

الحان پیش از اسلام الجان الجاهلیه بکار میرفته است^۱. ساز مزبور بنا بر روایات مختلف تا سده هفتم هجری هم معمول بوده یا لا اقل علمای سازشناسی هنوز آنرا میشناخته اند. طرز پرده بندی آن عبارت بوده است از تقسیم طول سیم بچهل قسمت مساوی.

بعضی از مورخان عرب این ساز را بقوم لوط نسبت داده اند. ولی آنچه بتحقیق میتوان گفت اینست که تنبور هم مانند بربط سازی است شرقی و از مشرق زمین باروپا برده شده است. قدیمترین نشانه‌ای که از وجود این ساز در مشرق زمین در دست مییابد نقشه‌ایست که در تپه‌های بنی‌یونس و کیون‌جیک واقع در حوالی شهر موصل موجود است. از مشاهده این نقشه معلوم میشود که هیئت و شکل این ساز با سه تارهای امروزه مشابهت



زیاد داشته است. دسته آن بسیار نازک و بلند و با کاسه ظریف و مجوف آن بسیار متناسب بوده است. تعداد سیمهای آنرا نمیتوان محققاً تعیین کرد. همچنین مسلم نیست که آیا گوشی (مشطه) و خرنک (انف) داشته است یا خیر. طرز نواختن آن چنانکه از شکل معلوم میشود عیناً شکل نواختن تار و سه تار بوده است.

شکلی که ملاحظه میفرمائید از روی نقشی که مربوط بدوره اقتدار دولت آسور میباشد و لا اقل سه هزار سال از تاریخ نقش آن بر روی تخته سنگهای تپه کیون‌جیک میگردد و اکبر شده

۱ - فارابی که در تیسیم دوم سنه سوم و اوائل سده چهارم هجری میزیسته در کتاب الموسیقی الکبیر تحت عنوان عود، طنبور البغدادی و طنبور الخراسانی و رباب بتفصیل و راجع بچنگ و صنج و مفرقه و شاهرود و مزمار باختصار توضیحاتی میدهد. علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر میتوانند بکتاب «تحقیق در تاریخ گامهای عرب» (Recherche sur l'histoire de la gamme arabe) تألیف «J. P. N. Land» مراجعه فرمایند. متن و ترجمه کتاب الموسیقی در آخر این کتاب بطور ضمیمه چاپ شده است. در فرهنگ معروف «گروو» (Grove's Dictionary of Music) نیز اطلاعات جامعی راجع به بربط و طنبور هست که مطالعه آن خالی از استفاده نیست.

است .

موسیقی نزد آسوریها بسیار رونق و اهمیت داشته و بابلیها و ملل مجاور آنها نیز علاقه وافری بموسیقی نشان میداده و در جشنهای خود از آن استفاده میکرده اند . ضمن تحقیقاتی که در شهر نینوا بعمل آمده نقشهائی از زمان آسوریها کشف شده که در آن تعداد زیادی از انواع سازهای مختلف مشاهده میشود . بابلیها دسته‌های بزرگی مرکب از نوازندگان مختلف تشکیل میداده اند که بنا بروایاتی تعداد نوازندگان آن یکصد و پنجاه نفر زن میرسیده است . از این عده بعضی آواز میخواندند و از بقیه بعضی نی میزدند و برخی چنگ و عده‌ای هم قانون مینواختند .

از آنچه گفته شد چنین استنباط میتوان کرد که تنبور بغدادی یا میزانی و طرز پرده‌بندی آن یعنی تقسیم کردن سیم بچهل قسمت مساوی مخصوص اقوام آسوری و بابلی بوده است (۱)

در ایران نیز در دوره اسلام تنبور بصورت کامل وجود داشته و بنا بر اوایات مختلف مخصوصاً در نواحی طبرستان و ری و دیلم بسیار رواج داشته و از حیث اهمیت با بربط در یک ردیف محسوب میشده است . مؤلف کتاب آغانی برای همراهی با آواز آنرا بهترین سازها می‌شمارد .

تنبور بصورت ابتدائی یعنی بدون پرده (دستان) و فقط بادوسیم هنوز هم در نواحی افریقای شمالی متداول است « و سالوادور دانیال » (Salvador Danial) در کتاب خود بنام « موسیقی و آلات موسیقی اعراب » چند سطر راجع بآن بیان میکنند . این نوع طنبور دوسیمی که آنرا طنبور ترکی نیز مینامند دارای کاسه‌های معمولی کوچک و دسته‌ای باریک و بلند است و معمولاً با دو یاسه انگشت آنرا مینوازند . طنبور دوسیمی دیگری که با طنبور ترکی کمی اختلاف دارد طنبور شروینان معروف بوده است و کاسه آن عموماً بشکل گلابی و سیمهای آن اغلب از روده یا از ابریشم ساخته میشده است .

یکی از جهات عمده تفاوت نام در مورد سازهای شبیه به بربط و طنبور اختلاف در شکل کاسه آنها است . مثلاً بربط و عود گو که از لحاظ کلی شبیه یکدیگرند ولی دسته عود موازی است و قسمت مجزائی را از کاسه تشکیل میدهد . در صورتیکه کاسه بربط کاملاً بشکل گلابی بوده یعنی دسته

(۱) برای تحقیق بیشتر بآثار رالینسون (Rawlinson) مراجعه شود .

و کاسه آن از يك پارچه ساخته ميشده است بعبارت ديگر از جای گوشيها بتدریج بر کلفتی آن افزوده ميشده و بکاسه منتهی میگرددیده است . علاوه بر این نه تنها کاسه بلکه دسته آن هم مجوف بوده است .

این نکته در مورد طنبور هم صدق میکند . چنانکه در بعضی از سه تارهای ترکیبی امروزه هم ملاحظه میشود کاسه ساز امتداد یافته و قسمتی از پائین دسته آنرا تشکیل میدهد . یعنی کاسه و قسمت پائین دسته ساز از يك پارچه بشکل گلابی است .

در دائرة المعارف بریتانیا مینویسد که طنبور (۱) ساز شرقی و از خانواده عود است که دارای دسته ای بلند و دو یاسه سیم بوده که با انگشت بصدادر میآمده است . سپس توضیح میدهد که در قدیم دو نوع طنبور وجود داشته است . کاسه نوع اول بصورت گلابی بوده و این نوع طنبور بیشتر در نواحی ایران و سوریه رواج داشته و از طریق ترکیه و یونان بارو پا راه یافته است نوع دوم دارای کاسه ای پهنی شکل بوده و بیشتر در مصر ولی در ایران و کشور های افریقای شمالی وجود داشته است .

از آنجا که طنبور و بر بطن هر دو از سازهای زهی و از يك خانواده میباشد بی مناسبت نیست که ضمن بحث درباره طنبور نکاتی را که بین دو ساز مشترك است نیز بیان کنیم .

راجع بکیفیت ساختمان عودی که در نواحی افریقای شمالی معمول بوده است رساله ای تحت عنوان معرفة النغمات الثمان در کتابخانه مادرید موجود است که متن ترجمه آن بانگلیسی توسط «فارمر» موسیقی شناس معروف انگلیسی چاپ شده و برای مطالعه علاقمندان بسیار سودمند میباشد . دائرة المعارف لاوینیاک نیز اهمیت این رساله را متذکر شده است . طرح بسیار ناموزون و نامرتبی از شکل عود در این رساله هست که عیناً در اینجا نقل میشود .

رساله معرفة النغمات الثمان تاریخ ندارد ولی از قرائن چنین برمیآید که در سده دهم هجری در مراکش از روی نسخه دیگری واگرفته شده است .

(۱) در فرهنگ «گروو» مینویسد کلمه طنبور در طی زمان در اثر تلفظهای ملل مختلف بصورت پاندورا (Pandura) و پاندولا (Pandola) و ماندورا (Mandura) و ماندولا (Mandola) و ماندولین (Mandoline) در آمده است .

بحث در باره این رساله و اطلاعات سودمند آن را بمقاله بعد محول
میکنیم .



عود در کتاب معرفة النغمات الثمان

اینک که اجمالا بطرز ساختمان بر بطن و تنبور و پرده بندی آنها تا حدی
آشنا شدیم بی مناسبت نیست راجع بکوک کردن (تسویه) این دو ساز نیز
اشاره ای بشود .

ابتدا باید ببینیم در موقع هجوم اعراب بایران بر بطن دارای چند سیم
بوده است . تحقیق در این مسئله بجهت نبودن مدارک بسیار مشکل است .
«لاند» در کتاب خود «تحقیق در باره گامهای عرب» اظهار میکند که در موقع
تسخیر ایران بدست اعراب بر بطن دارای دو سیم بوده است بنام زیرو بم .
ولی خلیل فیاض در سده اول هجری نوشته است که بر بطن باربد موسیقی دان
و نوازنده معروف زمان خسرو پرویز ساسانی چهار سیم داشته و این ادعای
لاند را رد میکند . دلیل لاند اینست که چون از اسامی سیمهای عود دو تا
فارسی (زیرو بم) و دو تا عربی است (مثنی و مثلث) میتوان احتمال داد که این
همان دو سیمی است که در روی بر بطن بوده است . این دلیل از لحاظ منطق
هم صحیح نیست .

در کتابهایی که علمای اسلام از تاریخ تسخیر ایران بیعد نوشته اند
مکرر بعود دو سیمی اشاره کرده اند . همانطور که در مقاله پیش اشاره شد
اعراب در حوالی ظهور اسلام و حتی پیش از آن بر بطن را از ایرانیان
اقتباس کردند زیرا بر بطن از سازهای ابتدائی تری که خودشان داشتند
بمراتب کاملتر و صدای آن لطیفتر و جذابتر بود . سازهای خود اعراب عبارت
بود از کران و موتر و مزهر که بی شباهت به بر بطن نبوده است . آنچه از

بربط اقتباس کردند نام فارسی آنرا نیز حفظ کردند. در پایان سده دوم هجری بربط چهارسیمی باجزئی اختلاف در تمام دنیای عرب متداول بود. اعراب در دوران جاهلیت سازهای خود را باین ترتیب کوك ميکردند: دو، ر، سل لا. چنانکه ملاحظه میشود دامنه صدای ساز در این کوك از يك او کتاو تجاوز نمیکنند. بعد که طرز کوك کردن جدید را از ایرانیان فرا گرفتند دامنه صدای عود از يك او کتاو بدو او کتاو کامل (الجماعة التامة) مبدل شد.

چنانکه از مقایسه دو شکل برمیآید معلوم میشود که در طریق دوم سیمها بافاصله چهارم کوك میشده است. یعنی در عود ابتدائی سیم بم از «دو» به «لا» ی پائین و سیم زیر از «لا» به «دو» ی بالا برده شده است بنا بر روایت مؤلف کتاب آغانی این ترتیب کوك در تمام دوره درخشان اسلامی رایج بوده است.

در اینجا بی تناسب نیست اظهارات الکندی عالم و فیلسوف بزرگ و معاصر مأمون و معتصم و متوکل از خلفای عباسی را راجع بصوتهای هشتگانه گام عود بیان کنیم. الکندی میگوید: صدای مطلق سیم بم (لا) که نخستین و بمترین صدای بربط است شبیه کیوان (زحل) که دورترین سیارات بخورشید

بم
س
لا
دو
ر
سل
فا
می

دو	سل	ر	بم
می	لا	س	دو
فا	دو	ر	سل

مطلق دو

طرز پرده بندی عود بصورت ابتدائی

کوه نخستین و بمترین صدای بربط است شبیه کیوان (زحل) که دورترین سیارات بخورشید

زیر	مثنی	مثلث	بم
دو	سل	ر	بم
می	لا	س	دو
سی	سی	فا	دو
فا	دو	سل	ر

سیاه
وطني
بصر
خضر

ترتیب کوك کامل عود

و گندترین آنها در حرکت است میباشد . نغمه بعد از آن در روی سیم بم انگشت
 سبابه (سی) است که شبیه مشتری (برجیس) میباشد . بهمین ترتیب نغمه
 انگشت وسطی (دو) در روی سیم بم شبیه بهرام (مریخ) و نغمه انگشت چهارم
 یعنی خنصر (ر) شبیه خورشید و نغمه اولین انگشت روی سیم مثلث (می)
 شبیه ناهید (زهره) و نغمه انگشت دوم روی همان سیم شبیه تیر (عطارد) و نغمه
 انگشت چهارم (سل) شبیه ماه است .

سیم بم (لا) را در موارد خاصی بنغمه های دیگر یعنی به سل یاسی یاد و
 تغیر میدادند و کوکهای بخصوصی از آن بوجود می آوردند . این کار را هنوز
 هم در ایران روی تاروسه تار برای مقامهای مختلف عمل میکنند .

در سده سوم هجری سیم دیگری بنام حاد توسط زریاب فارسی
 که در اندلس اسپانیا مشهور بود و در علم و هنر مقام ارجمنندی داشت بعود
 اضافه شد . فاصله صدای مطلق این سیم هم با مطلق سیم ماقبل آن یعنی
 سیم زیر همان فاصله چهارم تعیین شد یعنی فا . بعضی این سیم را زیر ثانی
 نام نهادند و سیم زیر را زیر اول گفتند . از آن تاریخ بیعد برای تمایز بین
 این دو نوع ساز ، اولی یعنی چهار سیمی را عود قدیم و دومی یعنی پنج
 سیمی را عود کامل نام نهادند . طرز پرده بندی عود کامل بساین صورت
 درآمد :

نوع ساز	پرده	سیم	نغمه	مقام
عود کامل (پنج سیمی)	فا	دو	اک	لا
	نا	دو (ه)	دو (ا)	سی
	سل	ر	ر	سی
	لا	ری	سی	دو
	الف	ری (ح)	سی (ج)	دو (ه)
عود قدیم (چهار سیمی)	سی	فا (ط)	دو (ا)	ر

طرز پرده بندی عود پنج سیمی

اعراب نواحی غربی شبه جزیره عربستان که بواسطه نبودن وسائل

و خطوط ارتباطی و دور بودن از حوزه‌های فرهنگی و هنری ایران و رم از این ترقیات و پیشرفتهای هنری دور و محروم مانده بودند همان سبک قدیم را در کوک کردن عود حفظ کردند و این رویه عیناً امروزه در آفریقای شمالی معمول میباشد.

در جدولهاییکه برای پرده بندی عود رسم شده ملاحظه میشود که نام پرده ها علاوه بر الفبای موسیقی غربی با الفبای موسیقی شرقی نیز نشان داده شده تا خوانندگان گرامی بطرز استفاده از حروف الفباء برای خواندن و نوشتن موسیقی آگاه باشند. چنانکه ملاحظه میشود بجای هفت نت طریقه سل فا ایرانیان و اعراب از دوازده حروف اول ابجد یعنی از الف تا لام استفاده میکردند. امروزه هم بسیاری از ملل جهان از جمله انگلستان و آلمان و امریکا بجای حروف سل فا حروف الفبا را برای خواندن نغمه‌ها بکار میبرند.

این بود شرح مجملی از طرز ساختمان عود و بربط و تنبور در ایران و عربستان. اینک بيمورد نیست اشاره مختصری هم راجع بنفوذ و اهمیت این ساز در اروپا بیان کنیم.

قبل از داخل شدن باین بحث تذکر این مطلب بنظر لازم می آید که اروپائیان از اوائل دوره رنسانس همه مظاهر علمی و ادبی و هنری خود را مرهون فرهنگ یونان قدیم میدانستند و هنوز هم کم و بیش در این عقیده باقی هستند اختراع و استفاده از این دو ساز را هم یونانیان قدیم نسبت میدادند و حتی امروز هم در بعضی از کتابهای درسی کنسرواتوارها و آکادمیهای موسیقی اروپا و امریکا این اشتباه ملاحظه میشود.

با احتمال قوی علت توایید شدن این اشتباه شباهتی است که بین نام گیتار که از خانواده بربط و تنبور است و کیتارا (Cithara یا Kithara) که سازی یونانی و از خانواده لیر (Lyre) است موجود میباشد. این اشتباهات باید بتدریج در سایه مطالعه و مجاهدت طلاب و محققان ایرانی مرتفع و حقیقت مطلب روشن گردد.



کیتارا ساز یونانی از خانواده لیر

اروپائیان عقیده داشتند که تمام سازهای زهی که با مضراب نواخته میشود با کیتارا مربوط و منسوب بوده است و همانطور که گفته شد دلیل آنها مانا شباهت بین اسم گیتار با کیتارا Chitara و کیتارینا Kitarrina و کیتارون Kitarrone و زیترا Zither با کیتارا بوده است.

ثبوت بربط و تنبور در کشورهای اروپا

در دوره قرون وسطی بربط و تنبور سازهای شبیه آن از جمله شاهرود در اروپا مخصوصاً نزد تروبادورها (Troubadours) بشکلها و نامهای مختلف رواج و مقام ارجمندی داشته است. این دو ساز در قرنهای اول ظهور اسلام از طریق یونان و ایتالیا و اسپانیا باروپا راه یافت و در سده هفتم هجری در سرتاسر کشورهای اروپا معمول و متداول بود. شکل کاسه بربط که بصورت گلابی بود وجه امتیاز این طبقه ساز گردید. همانطور که در مشرق معمول بود ابتداء هم با مضراب و هم با آرشه آنرا مینواختند و تفاوت فاحشی بین آن دو نبود. ولی بتدریج کاسه سازهای ارشه ای (بعداً تحت عنوان رباب مفصلتر در اینخصوص بحث خواهیم کرد) که نواختن آن باین شکل مشکل بود بسطح مستوی مبدل شد. یکی دیگر از وجوه امتیاز بین ساز آرشه ای و مضرابی این بود که خرك کوتاه مختص سازهای مضرابی بود و خرك بلند اختصاص بسازهای ارشه ای داشت. کم کم دو طرف کاسه سازهای ارشه ای راهم برای سهولت گردش آرشه دور سیم مقرر ساختند. این اختراعات و ابتکارات بالاخره منتهی بایجاد سازهای خانواده ویولون گردید.

همانطور که تذکر داده شد تنبور و بربط که در دوره قرون وسطی ورنسانس بی اندازه در اروپا مورد توجه و علاقه بود بشکلها و اندازههای مختلف ساخته میشد. بربط حقیقی اندازه متوسطی داشت که شش جفت سیم بآن بسته میشد و عموماً ولی نه همیشه سیمها را بفاصله چهارم کوك میکردند. نوع کوچکتر آن بنام کیتارنا (Chiterna) فقط چهار جفت سیم داشت و صدای آن زیرتر بود. تنبور (Theorbo) که شبیه به شاهرود بود نوع بم این دسته ساز را تشکیل میداد.

عموم این سازها صدایی مطبوع و خوش داشتند و گویا که صدای آنها مثل صدای سازهای ارشه ای (رباب) کشش نداشت ولی برای همراهی با آواز بسیار مناسب بود. کما اینکه در ایران هنوز هم همینطور است.

بسیاری از آهنگهای رقص که در قرنهای هفده و هیجده ساخته شده بر اساس قطعات رقصی است که در سده شانزدهم میلادی برای بربط و سازهای شبیه آن ساخته شده بوده است. مجموعه های متنوعی از این آهنگها در کشورهای مختلف اروپا چاپ و منتشر شده که امروز مورد استفاده و مطالعه موسیقی شناسان میباشد.

بدیهی است تاریخ تصنیف آنها سالها پیش از چاپ آنها بوده است.

این رقصها مادام که فقط بصورت رقص اجرا میشد جنبه محلی داشت و محدود بود ولی بمحضی که نوازندگان بر بطن آهنگ آنرا برای بر بطن تنظیم و منتشر میکردند جنبه بین المللی پیدا میکرد. بر بطن نوازان قطعات آواز را نیز برای بر بطن تنظیم میکردند که مطالعه آنها امروز بسیار مفید است یعنی آهنگهای موته (Motet) و مادریگال (Madrigal) که برای آواز ساخته شده بود برای بر بطن تنظیم میکردند. مثلاً قطعه مادریگال معروف به «ایل بیانکوچینو» (Il Bianco Cigno) یعنی «قوی سپید» یکی از جمله این قطعات است که ابتداء بفرم مادریگال برای چهارصدا ساخته شده بود و بعد بصورت آواز با همراهی بر بطن تنظیم گردید.

«اورلاندودی لاسو» که از مصنفان بزرگ و معروف قرن شانزدهم است قطعاتی برای آواز و بر بطن ساخته که موجود میباشد. «ژان سباستیان باخ» نیز قطعه ای برای بر بطن تصنیف کرده است. مصنفان معروف دیگری که برای این ساز آهنگ ساخته اند عبارتند از «پری» (Péri) و کاجینی (Caccini) و «مونتووردی» (Monteverdi) که هر یک قطعاتی برای «تیوربو» (Theorbo) تصنیف کرده اند. «هندل» نیز قطعه ای برای بر بطن ساخته است ولی از این تاریخ ببعده دیگر کسی برای این ساز آهنگ نساخته است و سازهای نوع بر بطن تا پایان سده هیجدهم فقط بطور خصوصی مورد استفاده واقع میشد و بتدریج جای خود را بانواع سازهای خانواده ویولون تسلیم کرد.



پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تیوربو بزرگ
رتال جامع علوم انسانی

خواهشمند است عبارت باورقی صفحه ۷۱ شماره گذشته را بصورت زیر اصلاح فرمائید:
« فنقول ان العود قد قسم ما بین ... »